

روانشناسی اجتماعی

- ۱- روانشناسی اجتماعی چیست؟
- ۲- تفاوت بین روانشناسی اجتماعی با مردم شناسی و جامعه شناسی را بنویسید
- ۳- روانشناسی اجتماعی چه طیفی از موضوعات اجتماعی را در بر می گیرد؟
- ۴- الگوی انگیزشی تاثیر حضور دیگران را شرح دهید
- ۵- گروهها می توانند شامل تعامل ایجاد ادراک مشترک و پیوندهای عاطفی و وابستگی متقابل ایجاد نمایند برای گروهها چه مشخصه هایی در نظر گرفته می شود؟
- ۶- فرضیه های گروه در روانشناسی اجتماعی را شرح دهید
- ۷- فوتبال اجتماعی چه زمانی رخ می دهد
- ۸- عوامل موقعیتی موثر بر میزان همنوایی گروه را شرح دهید
- ۹- تفاوت دو جنس از نظر همنوایی را شرح دهید
- ۱۰- پرخاشگری را تعریف کنید

جواب

- ۱- روانشناسی اجتماعی از روش های علمی برای درک و توضیح چگونگی تأثیری که افکار، احساسات و رفتار افراد از حضور حقیقی، خیالی یا فرضی سایر انسان ها می گیرند استفاده می کند. روانشناسی اجتماعی اساساً درباره ی این است که چگونه رفتار فرد از محیط اجتماعی ای که در آن رخ داده، تأثیر می پذیرد.

۲- مهمترین تفاوت بین روانشناسی اجتماعی با مردم شناسی و جامعه شناسی در این است که در روانشناسی اجتماعی، رفتار یک فرد به عنوان عضوی از گروه یا در مجاورت گروه یا در تعامل با گروه مورد توجه قرار می گیرد. در حالی که در مردم شناسی و جامعه شناسی، بیشتر به رفتار گروه های انسانی توجه می شود

۳- رفتار گروهی - ادراک اجتماعی - رهبری - رفتار غیرکلامی - همنوایی - پرخاشگری - پیش داوری

۴- نظریه ای که نقش تماشاچیان را بر عملکرد افراد توضیح داده است نظریه تاثیر اجتماعی خوانده می شود این نظریه تاثیر و نفوذ اجتماعی به چند عامل بستگی دارد تعداد افراد تماشاچی - بلاواسطه بودن تماشاچیان - نیرومندی افراد تماشاچی از طرفی تماشاچیان که حضور فیزیکی قابل رویت دارند تاثیر بیشتری از تماشاچیان دارند که از فرد دورتر باشند. عمل تماشاچیان سبب بالابردن سطح عملکرد فرد می شود و به عنوان تاثیر حضور دیگران یاد می شود و حضور دیگران به عنوان یک الگوی انگیزشی تهییج یا منعب انگیزش در یادگیری است. اگر در تماشاچیان توانایی ارزشیابی عملکرد آزمودنیها وجود داشته باشد در آزمودنیها انگیزتگی بیشتری مشاهده خواهد شد. از طرفی محققان گفته اند انگیزتگی نتیجه تعارض بین پاسخ های احتمالی است و انگیزتگی منجر به افزایش در سطح عملکرد پاسخ های آموخته شده و کاهش در سطح عملکرد پاسخ های خوب آموخته نشده خواهد شد

۵- ترکیب گروه (جنس - قومیت - نژاد - توانیها)

ساختار گروهها (کانلهای ارتباطی - رهبری گروهها - شیوه ارتباط)

پویایی گروه (چگونه به یکدیگر پاسخ داده و بر یکدیگر نفوذ و تاثیر دارند)

عملکرد گروه (گروه در رسیدن به اهداف خود تا چه اندازه خوب یا بد عمل می کند)

۶- آشنا شدن: معتقد است که تغییر مخاطره آمیز یک اثر گروهی واقعی نیست بلکه شبه اثر گروهی است و هر شیوه علمی که آشنایی با موضوعی مخاطره آمیز را افزایش دهد باعث می شود افراد نسبت به آن موضوع خطر کننده تر شوند

- لوث مسئولیت: معتقد است بحث گروهی ممکن است بین اعضاء گروه پیوندهای عاطفی ایجاد کند و ممکن است منجر به این شود که فرد در مورد تصمیم مخاطره آمیز احساس مسئولیت کمتری داشته باشد زیرا این مسئولیت بین اعضای گروه پخش می شود

- رهبری: بر صفاتی از اعضای گروه تاکید می ورزد که اعضای دیگر آنها را به عنوان گروه تصور می کنند و گروه مصمم تر و با نفوذ تر تصمیم می گیرد تصمیمات مخاطره آمیز نتیجه نفوذ رهبران خطر جو است

- خطر به عنوان ارزش: اتخاذ یک تصمیم مخاطره آمیز در بعضی فرهنگ ها یک ارزش تلقی می شود و خطر کردن لازمه جوان بودن است و در بعضی از فرهنگها مردم مایل جوان جلوه کنند و تا حد زیادی خطر کننده عمل می کنند.

۷- نفوذ اجتماعی، زمانی رخ می دهد که عواطف یا باورها یا رفتارهای شخص متأثر از دیگران است. [۱] نفوذ اجتماعی صورتهای بسیاری به خود می گیرد و می تواند در امور ذیل دیده شود: انطباق، جامعه پذیری، فشار همسالان، اطاعت، رهبری، اقناع، فروش، بازاریابی. در سال ۱۹۵۸ روانشناس هاروارد هربرت کلمن سه روایت گسترده از نفوذ اجتماعی را شناسایی کرد. [۲]

۱. سرسپاری، هنگامی است که افراد ظاهراً با دیگران موافقت می نمایند ولی باورهای مخالفشان را خصوصی نگه می دارند.

۲. همذات پنداری هنگامی است که افراد تحت تأثیر افراد محبوب و محترم قرار می گیرند، مثل افراد نامدار و مشهور.

۳. درونی سازی هنگامی که افراد، باور یا رفتاری را می پذیرند و در برون و درون با آن موافقت می کنند.

۸- نخست عامل در هم نوایی افراد با هرجریان و یا هر گروهی، ویژگی‌های شخص هم نوا است. این ویژگی ها می‌تواند شامل؛ میزان اعتماد به نفس و استقلال رأی، عقاید و ارزش‌ها، خانواده، عادات، نیاز به تأیید شدن از سوی دیگران، هوش، تحصیلات، پایگاه فرد در جامعه و مقام وی، دیگر- رهبر *other directed* یا خود- رهبر *inner directed* بودن شخص و... شود. دومین عامل، ویژگی‌های گروه، اجتماع و یا محیط بیرونی است مانند: جذابیت‌ها، شعارهای زیبا و بر پایه نیازها، عرف، حجم گروه و میزان فشار و نفوذ آن، تبلیغات داخلی و خارجی، هنجارها و انتظارات گروه از فرد و... سومین عامل را می‌توان، نقاط قوت و ضعف گروه فعلی (مثلا خانواده) که شخص در آن قرار دارد؛ دانست.

چهارم، عوامل موقعیتی مؤثر در هم‌نوا شدن فرد است. تحقیقات (آرونسون ۱۹۸۸)، نشان می‌دهد وقتی موقعیت و اطلاعات رسیده از محیط، مبهم و غبارآلود باشد، شخص آمادگی زیادی می‌یابد تا با جمع هم‌نوایی کند. به عنوان مثال، اگر او در مکان و جمعی قرار بگیرد و اطلاعاتی راجع به سبک رفتار در آن موقعیت نداشته باشد، سعی می‌کند مثل دیگران رفتار نماید. (در اینجا ممکن است هم نوایی به این جهت باشد که نظر جمع راجع به او منفی یا انگشت نمای دیگران نشود یا مورد تمسخر قرار نگیرد و...)

۹- میزان هم‌نوایی آزمودنی‌ها در موقعیت اجتماعی پایین (کهتری) به طور معناداری بیش از موقعیت اجتماعی بالا (برتری) بود ($p > 0.01$) همچنین در بین کل آزمودنی‌ها، زنان به شکل معناداری بیش از مردان تحت تاثیر اکثریت قرار گرفتند و با جمع هم‌نوایی کردند ($p > 0.05$) مقایسه زنان و مردان در دو موقعیت اجتماعی مشخص کرد که اگرچه در وضعیت کهتری اجتماعی، زنان بیش از مردان هم‌نوایی می‌کنند، ($p > 0.001$) اما در وضعیت برتری اجتماعی بین میزان هم‌نوایی زنان و مردان تفاوت معناداری دیده نمی‌شود. در نتیجه، می‌توان هم‌نوایی را تابعی از تاثیر متقابل جنسیت، هویت گروهی، و موقعیت اجتماعی دانست.

۱۰- پرخاشگری را رفتاری تعریف کرده اند که هدف آن صدمه زدن به خود یا به دیگری باشد آنچه در این تعریف حائز اهمیت است و نیت رفتارکننده است یعنی یک رفتار آسیب زا در صورتی پرخاشگری محسوب می شود که از روی قصد و عمد به منظور صدمه زدن به دیگری یا به خود انجام گرفته باشد بنابراین با چنین تعریفی اگر مثلاً در زمین فوتبال بازی کنیم به طور غیر سبب شکستن پای بازیکن دیگر شود کار او پرخاشگری به حساب نمی آید